روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

دوشنبه ۴ تیر ۱۴۰۳ • ۱۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۵ • ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۶۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب ۱۹:۴۵ • اذان صبح فردا ۳:۰۳ • طلوع آفتاب ۴:۵۰

کشت گندم در استان مازندران در ۵۴ هزار و ۹۵۰ هکتار از اراضی زراعی انجام می‌شود و سالانه به طور متوسط ۴۷۰ هزار تن گندم و ۳۹۰ هزار تن آرد مصرف می‌شود. بیش از ۲۱ هزار دستگاه کمباین کار برداشت محصول را انجام می دهند. عکس: مهدی محبی‌پور، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

۲ ساعت

طبق پژوهشی ۲۰ ساله در آمریکا مشخص شده است که دو ساعت تماشای تلویزیون، پیری سالم را ۱۲ درصد کاهش می‌دهد. زمان نشستن انسان‌ها پای تلویزیون بر چگونگی پیرشدن آنها تأثیر می‌گذارد. نتایج این بررسی براساس اطلاعات ۴۵ هزار فرد ۵۰ساله و بالاتر است که پیری سالم را نداشتن بیماری مزمن، نداشتن اختلال حافظه و بهره‌مندی از سلامت جسمی و روانی ارزیابی می‌کنند.

۷۱ میلیون بشکه

در مدت دو هفته، ۱۵۰ هزار تن نفت خام حوزه نفتی آمودریا به ارزش بیش از ۷۱میلیون‌و ۶۰۰ هزار دلار آمریکا به سرمایه‌گذاران افغان از طریق مزایده فروخته شده است. براساس آمار وزارت معادن و نفت طالبان، روزانه ۱۳هزارو ۵۰۰ تن نفت در حوزه آمودریا استخراج می‌شود. یک شرکت چینی در قراردادی در سال ۱۴۰۱ قول سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰۰ میلیون دلار را داده است.

دکتر پزشکیان، عدالت و آمایش جمعیت

مهدی زارع

دکتر مسعود پزشکیان نامزد انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری در مناظره ۲۸ خرداد با پنج کاندیدای دیگر این انتخابات گفت: «جمعیت زیر خط فقر ما بیشتر شده است. مناطق در حاشیه و مرزها وضعشان خراب است برای اصلاح این بی‌عدالتی باید بدانیم کجا را نگاه می‌کنیم. آمار و ارقام می‌گوید ما کجاییم. برای اصلاح باید نگاه و زبان مشترک داشته باشیم، اختلاف و عدم هماهنگی مانع اجرای هدف و تصمیم ماست. دولت منابع را باید هدفمند به آن مناطق بدهد برای اصلاح قیمت باید زیرساخت‌ها را درست کنیم... بانک‌ها ۵۵ درصد وام‌ها را در تهران می‌دهند، بقیه برای کل کشور هزینه می‌شود. این یعنی توسعه در تهران و اطراف آن و عدم توسعه در اطراف آن. اگر یک برنامه جامع با مشارکت اساتید و اقتصاددان‌ها با مردم ننویسیم، فقط یک قسمت را درست می‌کند. باید یارانه را هدفمند کرد و به دهک‌های پایین داد، باید تورم را کنترل کرد و رشد اقتصادی اگر اصلاح نشود، همه فقیر می‌شویم». مطالعه تغییرات تعداد و حجم جمعیت ایران از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد، در این دوره، حدود ۶۱ میلیون نفر به جمعیت اضافه شده است. در این دوره ۶۰ساله به‌طور متوسط سالانه بیش از یک میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده شده است (گزارش تحلیلی پژوهشکده آمار - خرداد ۱۴۰۲) . رشد جمعیت ایران پس از انقلاب اسلامی افزایش یافته به طوری که در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ به یکباره به رشدی نزدیک چهار درصد رسید که در تاریخ تحولات جمعیتی ایران بی‌سابقه بود. البته در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ مهاجران بسیاری وارد کشور شدند، اگر تعداد مربوط به معاودین عراقی و به خصوص ورود پناهندگان افغان به کشور از رقم رشد سالانه چهار درصد کسر شود میزان رشد طبیعی سالانه جمعیت به رقمی حدود ۳.۲ درصد می‌رسد. برخی بررسی‌ها، طبقات اجتماعی در ایران را به طبقه بالا، متوسط مالک، متوسط حقوق‌بگیر، کارگر، کشاورزان مستقل و مزدبگیر روستایی تقسیم کرده‌اند و توزیع جمعیت را در طبقه بالا و متوسط (حدود ۳۲ درصد جمعیت)، کارگر (حدود ۴۵ درصد)، و طبقه پایین (حدود ۲۳ درصد جمعیت) تقسیم می‌کنند. در علم اقتصاد، ضریب جینی معیاری از پراکندگی آماری است که برای نشان‌دادن نابرابری درآمد، نابرابری ثروت، یا نابرابری مصرف در نظر گرفته می‌شود که توسط آماردان و جامعه‌شناس ایتالیایی، کورادو جینی پیشنهاد شده است. ضریب جینی نابرابری بین مقادیر توزیع فراوانی مانند سطوح درآمد را اندازه‌گیری می‌کند. ضریب جینی صفر برابری کامل را نشان می‌دهد، جایی که همه ارزش‌های درآمد یا ثروت یکسان هستند، در حالی که ضریب جینی یک (یا ۱۰۰ درصد) حداکثر نابرابری بین ارزش‌ها را منعکس می‌کند. کشوری که کمترین ضریب جینی را دارد، اسلواکی با ضریب جینی ۰.۲۳۲ است. ضریب جینی ۰.۳۸ در سال ۱۳۸۹ و ۰.۴۱ در سال ۱۴۰۳ بود. بر اساس آمار مرکز آمار ایران جمعیت شهری ایران طی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ با رشد سالانه حدود ۱.۳ درصد از حدود ۶۷ میلیون نفر در سال ۱۴۰۰ به حدود ۷۰ میلیون نفر در سال ۱۴۰۳ برآورد می‌شود. دکتر پزشکیان در همان مناظره ۲۸ خرداد گفت: «درد مردم را ببینیم. مناطق محروم را نمی‌بینیم. وقتی پول‌ها و منابع را در جاهای پولدار خرج می‌کنیم، یعنی چابهار و خوزستان، بلوچستان و کردستان را نمی‌بینیم. در بسیاری از تئوری‌های گفته‌شده راهکار وجود دارد. لازمه حل مشکلات انسجام داخلی است و اینکه باید به زبان و نگاه مشترک برسیم. مردم محروم را ببینیم. اگر شغل و اقتصاد را درست نکنیم و اگر مشکلمان را با دنیا حل نکنیم بودجه مملکت هدر می‌رود. قطر را مقایسه کنید در چه وضعیتی است. برای دیدن معلمان و بازنشستگان، قانون را اجرا کنیم. چرا در مجلس قانون را عمل نکردیم. چرا همه دولت‌ها طبق تورم حقوق را اضافه نکردند. اینها واقعیت‌هاست. باید با مردم صادق باشیم. شعاردادن کار سختی نیست. در دولت شهید رئیسی چرا وزیر کشاورزی را گرفتند؟ چرا پرونده چای دبش درست شد... ما دو اصل داریم که به شدت به آن معتقد هستم؛ هر انسان توانمندی باشد ما حتما از آن بهره خواهیم برد. در رابطه با آنچه می‌خواهیم عمل کنیم حق و عدالت است. برای پیاده‌کردن حق و عدالت باید اصلاحات انجام شود. اصلاحات چهار اصل دارد: عدالت، کیفیت، هزینه و اثربخشی و کارایی. برای اصلاح ساختارها باید این چهار اصل را رعایت کنیم. کیفیت یعنی رضایت مشتری، اگر در شهرداری سیستمی درست کردید از مردم بپرسید، اگر غیر از اینهاست مردم قضاوت خواهند کرد. حق با مردم است. امکان ندارد با یک گروه و دسته و جناح، مملکت را درست کنیم. باید با سنی و عرب و عجم با هم کشور را پیش ببریم، ما نسبت به مناطق سنی ظالمانه‌تر عمل کردیم». تهران پایتخت و مرکز اصلی اقتصادی ایران است. تمرکزگرایی شدید در ایران به ویژه از اوایل سده بیستم تا امروز موجب شده تا صنایع مدرن امروزی شامل ساخت خودرو، تجهیزات الکترونیک و برق، سلاح، نساجی، شکر، سیمان و محصولات شیمیایی در تهران توسعه یابد. شرکت‌های پالایش نفت پارس اویل، اسپیدی و بهران در تهران مستقر هستند. تهران میزبان ۴۵ درصد از صنایع ایران است. در پایان قرن بیستم، بیش از یک‌سوم مشاغل در تهران مربوط به خدمات اجتماعی و شخصی بود، همچنین حدود یک‌پنجم آن در بخش تولید و حدود یک‌ششم مربوط به فروش بود. وضعیت تمرکز جمعیت و صنایع و اقتصاد در تهران موجب شده تا هر نوع حادثه مانند زلزله در تهران موجب آسیب زیرساختی اساسی به کل کشور شود. رئیس‌جمهور بعدی باید با تمرکز خاص بر آمایش سرزمین به ساماندهی عدالت اجتماعی در ایران بپردازد.

آنچه گذشت

پلیس سازمان ملل نمی‌آید!

امیر سیدین

تحریم انتخابات به‌عنوان گزینه‌ای برای ابراز نارضایتی از وضع موجود و رساندن پیام به ذی‌نفعان قدرت، در کشورهای مختلفی تجربه شده است. رأی‌ندادن به‌عنوان شکلی از نافرمانی مدنی، هرچند با هدف نشان‌دادن نوعی از اعتراض سیاسی صورت می‌گیرد، اما مرور نمونه‌هایی از این کنش -یا عدم کنش- سیاسی در کشورهای مختلف می‌تواند درس‌آموز باشد. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تحریم انتخابات را می‌توان در انتخابات سال ۲۰۰۵ عراق مشاهده کرد. در این انتخابات گروه‌های سنی، سیاست عدم مشارکت را در پیش گرفتند و شهروندان اهل سنت را به تحریم انتخابات دعوت کردند. اما پیامد این کنش سیاسی برای آنها فاجعه‌بار بود. در غیاب نامزدها و رأی‌دهندگان اهل سنت، شیعیان توانستند با کسب اکثریت مطلق در مجلس، قانون اساسی را تدوین و آن را بدون اعمال نظر سنی‌مذهب‌ها تصویب کنند. در سال ۲۰۱۲ در مصر هم مخالفان اخوان‌المسلمین، جلسات شورای دوم قانون اساسی را تحریم کردند. اسلام‌گراها بدون توجه به حضورنداشتن مخالفان -و حتی احتمالا خوشحال از این عدم مشارکت- قانون اساسی را تدوین کرده، به تصویب رسانده و سرانجام به رفراندوم گذاشتند. در تمام مراحل، مخالفان اخوان‌المسلمین تماشاگر ماجرا بودند. آنها حتی تلاش نکردند نیروهای خود را برای دادن رأی منفی به قانون اساسی تدوین‌شده بسیج کنند. انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۹ افغانستان نیز نمونه‌ای دیگر بود از شکست سیاست تحریم انتخابات. در آن انتخابات عبدالله عبدالله به‌عنوان نامزد مخالفان، به همراه حامد کرزای به دور دوم انتخابات افغانستان راه یافت، ولی در اعتراض به عملکرد نادرست دولت، تقلب‌های انتخاباتی و نیز رفتار کمیسیون انتخاباتی از حضور در دور دوم انصراف داد. عبدالله با تصمیم به تحریم انتخابات، به حاشیه رانده و تا انتخابات بعدی از صحنه سیاسی افغانستان ناپدید شد. در نمونه‌ای دیگر، در انتخابات سال ۲۰۰۳ جمهوری آذربایجان، مخالفان علی‌اف در اعتراض به رفتار دولت پای صندوق‌های رأی نرفتند. در نتیجه این تحریم، علی‌اف با کسب اکثریت مطلق آرا، برنده انتخابات شد. با وجود تحریم و هفته‌ها اعتراضات خیابانی پس از انتخابات، جامعه جهانی نتایج انتخابات را به رسمیت شناخت و علی‌اف تا امروز رئیس‌جمهور آذربایجان است. سیاست تحریم انتخابات در کشورهای دیگری هم نتایج شکست‌باری برای بانیان آن به بار آورده است. مثلا مخالفان چاوز در انتخابات ۲۰۰۴ در اعتراض به نحوه برگزاری انتخابات فرمانداری‌ها به پای صندوق‌های رأی نرفتند و حاصل آن در اختیار گرفتن ۲۰ فرمانداری از ۲۲ فرمانداری توسط هواداران چاوز بود. مخالفان چاوز یک سال بعد نیز انتخابات مجلس را تحریم کردند و در نتیجه آن اکثریت مطلق کرسی‌های مجلس -۱۱۴کرسی- توسط اطرافیان چاوز اشغال شد و این در حالی بود که مخالفان تا قبل از این تحریم، ۴۱ کرسی مجلس را در اختیار داشتند. ثمره تحریم برای مخالفان چاوز قدرتمندترشدن چاوز و اکثریت مطلق اطرافیان چاوز در مجلس بود و با تکیه بر همین اکثریت مطلق، قوانین جدیدی تصویب شد که «حذف محدودیت زمانی دوره ریاست‌جمهوری» یکی از آنها بود. همان قانونی که چاوز را تا آخر عمر در قدرت نگه داشت. تقریبا هیچ نمونه‌ای را نمی‌توان یافت که در کشوری، نیروهای مخالف جریان قدرت توانسته باشند با اتخاذ این روش -قهر با صندوق رأی- به اهداف خود برسند و غالبا بازنده این بازی، همان گروهی بوده که دست به تحریم صندوق‌های رأی زده است. مؤسسه بروکینگزو در پژوهشی با عنوان «بررسی استراتژی تحریم انتخابات» بیش از ۱۷۰ انتخابات تحریم‌شده در کشورهای مختلف را بررسی کرده و بر اساس نتایج این پژوهش، نه‌تنها تقریبا در همه کشورها سیاست تحریم انتخابات شکست خورده و سودی برای تحریم‌کنندگان نداشته است، بلکه حتی در بسیاری از آنها، برنده تحریم انتخابات حزب یا گروه در قدرتی بوده که عدم مشارکت شهروندان به مستحکم‌ترشدن پایه‌های قدرتش انجامیده و هیچ نگرانی خاصی هم بابت کاهش مشارکت در انتخابات نداشته است. می‌توان گفت فانتزی ساده‌دلانه تحریم‌کنندگان انتخابات، مبنی بر دخالت جامعه بین‌الملل در صورت کاهش مشارکت، نمونه تجربه‌شده‌ای در عالم واقع ندارد. رؤیاهای اینستاگرامی، فقط در اینستاگرام تعبیر می‌شوند و روی زمین، چیزی به نام پلیس سازمان ملل وجود ندارد و هیچ انتخاباتی -آن‌گونه که سلبریتی‌های فضای مجازی گفته‌اند و اسباب طنز شده- به «دخالت پلیس سازمان ملل» نینجامیده است.

حقوق‌خوانی

نیاز به بازبینی یک قانون

ایوب میلکی
حقوق‌دان

قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول مشتمل بر ۱۵ ماده و ۲۸ تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۹/۶مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۲۶ از سوی مجمع تشخیص مصلحت، موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. این قانون ۱۵ماده‌ای، پس از ماه‌ها بررسی با هدف و شعار کاهش مرافعات شهروندی، تقلیل تراکم دعاوی و شکایات، شفاف‌سازی معاملات، تسهیل وصول مالیات بر فروش اموال غیرمنقول، جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و کلاهبرداری‌های ناشی از غیررسمی‌بودن اسناد مالکیت و تثبیت و تقویت مالکیت اشخاص وضع شده که در نوع خود حائز اهمیت و شایسته تقدیر است. قانون یادشده پس از مجادلات و اختلافات مطروحه بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی و در نهایت با دخالت مجمع تشخیص مصلحت نظام و اعمال اصلاحات، به تصویب نهایی رسید. با وجود این، برخی ابهامات و نارسایی‌ها همچنان به قوت خود باقی است. این قانون ۱۵ماده‌ای که قرار است ۱۱ آیین‌نامه نیز از آن صادر و ساطع شود، با وجود مزیت‌هایی که برای آن برشمرده شده، تا فراهم‌شدن بسترهای اجرائی آن راهی طولانی و مسیری ناهموار را در پیش دارد. آنچه بیش از همه خودنمایی می‌کند، سلب حق مالکیت یا دادرسی و تظلم‌خواهی اشخاص بعد از مدتی معین یا بی‌اعتبارکردن سندیت اسناد عادی است که به نظر می‌رسد با بسیاری از اصول و قواعد شرعی و حقوقی سازگاری ندارد. یکی از مشکلات این قانون، پیچیدگی و ابهام آن است. این قانون اگر در یک بستر اجرائی مناسب قرار نگیرد، پیش‌بینی می‌شود مردم را با یک دیوان‌سالاری اداری پیچیده و سرسام‌آور مواجه کند. یکی دیگر از مشکلات و نگرانی‌های احتمالی بزرگی که وجود دارد و انتظار می‌رود حتما مورد توجه قرار گیرد و رفع مانع شود، مربوط به معاملات و اسناد عادی مالکیتی است که قبل از تصویب این قانون و حتی سال‌ها قبل از آن تنظیم شده‌اند. الزام صاحبان سند اخیر به ثبت معامله در سامانه، با وصف آنکه بسیاری از این املاک احتمالا دارای بناهای بدون جواز هستند و ضرورت دارد دفاتر اسناد از مراجع ذی‌ربط نظیر جهاد کشاورزی و بنیاد مسکن قبل از تنظیم سند استعلام کنند، با وصول گزارش تخلف یا غیرمجازبودن بنا، فرایند صدور سند این املاک را با مانع و چالش جدی مواجه می‌کند. این امر زمینه‌ساز طرح فزاینده دعاوی حقوقی و کیفری بین مالکان فعلی و ایادی قبلی و حتی گسترش درگیری‌ها و ناآرامی‌ها و گرایش به سمت قانون‌گریزی خواهد شد. با درک این مطلب که قانون‌نویسی یک فن و تخصص است که نیازمند کارشناسی، آینده‌نگری و شناخت دقیق از نیازهای اجتماعی است، به نظر می‌رسد قانونی که تعداد آیین‌نامه‌های آن قرار است از مواد آن سبقت بگیرد، احتمالا بسترساز مشکلات و نابسامانی‌هایی در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهد شد و بدون توجه به این اصول، ممکن است قانونی که با نیت خیر تصویب شده، خود به منبعی از مشکلات و آسیب‌های جدید تبدیل شود. نگارنده اعتقاد دارد این قانون می‌توانست بسیار ساده‌تر، مفیدتر و معتدل‌تر وضع شود تا هم حقوق عامه را بهتر تأمین و تضمین کند و هم چالش قانون‌گریزی و نگرانی‌های مشروع اقشار مختلف اجتماعی را کاهش دهد.

از بعد اجتماعی، چنین قانونی اگر به خوبی ساماندهی نشود می‌تواند به بی‌اعتمادی مردم نسبت به قوانین و سیستم قضائی منجر شود و احساس ناامنی حقوقی را در جامعه گسترش دهد و با مشغله‌سازی افراطی، دستگاه‌های اداری و اجرائی را از رسالت اصلی خود باز دارد. از بعد اقتصادی، هزینه‌های اضافی و پیچیدگی‌های اداری می‌تواند مانع از توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری در بخش املاک شود. از بعد حقوقی، تضاد با اصول و قواعد شرعی و حقوقی موجود، چالش‌های قانونی جدیدی را به همراه خواهد داشت که ممکن است به افزایش دعاوی حقوقی منجر شود. در نهایت، هرچند اهداف این قانون قابل تحسین است، اما اجرای آن نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر و رفع نواقص موجود است. قانون‌گذار باید با توجه به نیازهای واقعی جامعه و شرایط اجرائی، اقدام به تدوین و تصویب قوانین کند تا از ایجاد مشکلات جدید و افزایش نارضایتی‌های عمومی جلوگیری شود.